

ابوزراعه معمری

نویسنده: دکتر بصیر کامجو

ابوزراعه معمری از شاعران قرن چهارم هجری دوره شاهنشاهی ساسانیان (اجداد تاجیکان و پارسها) و هم عهد رودکی بزرگ بوده است. (1) گویند که روزی:

"امیر خراسان او را گفت شعرچون رودکی؟ او گفت حُسن نظم من از آن پیش است اما احسان و بخشش تودر می باید! که شاعر مرضی همگنان آنگاه گردد که نظررضای مخدوم بوی متصل شود. پس این سه بیت را در آن معنی نظم داد.:

اگر بـدولت با رودکی نمی مانم عجب مکن سخن از رودکی نه کم دانم
اگر به کوری چشم او، بیافت گیتی را ز بهر گیتی، من کـور بود نتوانم
هزار و یک زآن کویافت از عطاء ملوک به من دهی سخن آید هزار چندانم" (2)
از اشعار اوست:

هرآنکسی که نباشد ز اخترش اقبال بود همه هنر او به خلق نا معقول
شجاعتش همه دیوانگی فصاحت حشو(*) سخاگزارف و کریمی فساد و فضل و فضول

جهان شناخته گشتم به روزگار دراز نیاز و ناز بدیدم در این نشیب و فراز
ندیدم از پس دین هیچ بهتر از هستی چنانکه نیست پس از کافری بتر ز نیاز(3)

آنجا که درم باید دینار براندازم وانجا که سخن باید چون موم کنم آهن
چون باد همی گردد با باد همی گردم گه با قدح و بربط گه با زره و جوشن (4)

- 1 - ذبيح الله صفا ، تاريخ ادبيات ايران ، جلد يكم ، ص 297
- همچنان رجوع شود به : محمد دبیر سیاقی ، پیشآهنگان شعر فارسی ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، لغتنامه دهخدا .
- 2 - لباب الالباب عوفی بخاری ، ج 2 ، ص 10 .
- (*) - حشو : جمله زايد ، آگنه ، اضافه
- 3 - ذبيح الله صفا ، تاريخ ادبيات ايران ، جلد يكم ، ص 297
- 4 - مردان پارس ، شعر از ابو زراعه معمري .